

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: ناهید جعفرپور  
فرستنده: عثمان حیدری  
۱۹ نومبر ۲۰۱۸

## سوسیالیسم یا بربریت



### رزا لوکزامبورگ

"دولت‌های سرمایه‌داری برای رقابت خویش زنجیره‌ای بی‌پایان از تسلیحات جنگی زمینی، هوایی را برای جنگ‌هایی خونین از آفریقا تا اروپا به کار گرفته‌اند و هر لحظه آماده برای شعله ور نمودن آتش جنگی جهانی می‌باشند. در تمامی کشورهای سرمایه‌داری سال‌هاست که روح پلید گرسنگی و فقر عمومی هر روز گسترده‌تر می‌گردد..."

این چنین این زن انقلابی در تاریخ اول ماه مه ۱۹۱۳، یک سال قبل از این که قدرت‌های بزرگ جنگ جهانی اول را شروع نمایند، به جهان اخطار داد.

جملات آنروزی رزا امروز بعد از ۱۰۰ سال معنی واقعی خویش را نشان می‌دهند: دولت‌های کشورهای صنعتی هزینه‌های سنگین تسلیحاتی را متحمل می‌شوند و لشکرهای اشغالگر این دولت‌ها، وحشیانه و خشونت بار عراقی‌ها، افغان‌ها و سوریه‌ئی‌ها و... را تحت فشار قرار می‌دهند.

بعد از این که سال ۱۹۸۹ اینطور تصور می شد که تحولات در اروپای شرقی می تواند جهانی صلح آمیز و با امنیت ایجاد نماید، دقیقاً از این زمان فقر و جنگ در جهان گسترش یافت. به ویژه از سال ۲۰۰۱ که دولت امریکا اعلام جنگ با تروریسم را نمود، هر روز انسانهای بیشتری امنیت های زندگی خویش را از دست دادند.

امروز رزا لوگزامبورگ هم اگر زنده بود برای کشته شدن صدها هزار نفر در جنگ های اخیر، سران کشورهای قدرتمند را مقصر می خواند. بلکه اگر رزا زنده بود به هیچ قیمتی قبول نمی کرد که دولت ها و کنسرن ها می توانند اگر رهبریشان تغییر کند و یا کسانی دیگر در صدر این کنسرن ها و دولت ها بنشینند، صلح آمیز شوند. رزا توضیح می دهد که چگونه سرمایه داری از روی ناچاری همواره تأثیرات خشونت بار دارد. وی همواره برای سرنگونی این سیستم اجتماعی مبارزه نمود زیرا که اعتقاد راسخ داشت که این سیستم دلیل تمامی این تسلیحات، جنگ ها، فقر و استثمار است. برای اثبات این امر وی با ولادیمیر لنین و نیکولای بوخارین ایده های کارل مارکس را دنبال نمودند. زمانی که مارکس در اواسط قرن ۱۹ تحقیقات خویش را برای چگونگی عملکرد سرمایه داری آغاز نمود در آن زمان هنوز سرمایه داری توسعه کامل خویش را ننموده بود.

مارکس در سال ۱۸۴۸ در مانیفست حزب کمونیست می نویسد: "سرمایه به دنبال شکار تمامی کره زمین روان است و در این راه مرزها را می شکند و بازاری جهانی خلق می نماید". اما در ابتداء در قرن بیستم بود که شرکت ها در کنسرن های بزرگ حل شدند و دولت های صنعتی برای مستعمره کردن تمامی جهان به مبارزه پرداختند. این توسعه و گسترش را رزا و لنین و بوخارین امپریالیسم نامیدند.

رزا در کتابش به نام "انباشتگی سرمایه" نشان می دهد که امپریالیسم پیامد سرمایه داری است و می باید مرتباً در بخش های جدید خود را گسترش دهد. دلیل این کار هم این است که نیروهای مولده که از پیش شرط های طبیعی، تکنیکی و علمی تولید می باشند در سرمایه داری خیلی سریع رشد می کنند. بدین صورت همواره بیشتر و بیشتر تولید می گردد. اما در این پروسه تولید کالای هر چه بیشتر، امکانات مصرف، تقاضای کارگران استثمار شده و شرکت ها اکثراً از سرعتی کمتر و یا اصولاً هیچ سرعتی برخوردار نیست. سرمایه داری تلاش می کند از یک سو هر چه بیشتر خود را به کشورها و مناطق بیشتری گشاند و گسترش دهد و از سوی دیگر این سیستم پهنه خود را هر چه بیشتر بر روی بخش های مختلف زندگی انسان ها چون مراقبت های دوران پیری، بهداشت و سلامتی و آموزش گسترده و این بخش ها را به کالا تبدیل می نماید و تلاش می کند از این بخش ها حداکثر منفعت را ببرد.

در این راستا دولت ها هم عملکرد خود را با خواست رشد داخلی و خارجی سرمایه داری تنظیم می نمایند. از این طریق این ریسک همواره وجود خواهد داشت که این دولت ها برای این که بتوانند امکان گسترش بیشتر سرمایه داری کشورشان را فراهم سازند، به عملکردهای جنگی روی آورند. همزمان این گسترش جهانی سرمایه داری به گسترش جهانی طبقه کارگر کشیده می شود. کارگران به عنوان سربازان جنگ و همچنین کارگران کارخانه جات و ادارات و بیکاران حاشیه جامعه در اثر اجبار سرمایه داری به گسترش رنج زیاد خواهند برد. از این رو رزا لوگزامبورگ و مارکس و دیگر انقلابیون بر این عقیده بودند که کارگران جهان علاقه و منافعی مادی و واقعی برای سرنگونی سرمایه داری دارند.

و اما یک سال بعد از آغاز جنگ جهانی اول، رزا نظرات مارکس و انگلس را تأیید نمود. مارکس اعتقاد داشت که سرمایه داری برای انسانها تنها دو امکان را باقی می گذارد: "سوسیالیسم یا بربریت"

رزالوگزامبورگ در کتابش می نویسد: "بحران سوسیال دمکراسی": ما امروز دقیقاً در همان جایی قرار داریم که چهل سال پیش فریدریش انگلس پیش بینی نمود: در مقابل یک انتخاب. در این حالت یا پیروزی امپریالیسم است و فروپاشی هر گونه فرهنگی. در این حالت درست به مانند روم قدیم یک قبرستان بزرگ ایجاد می شود و یا پیروزی سوسیالیسم

است به این مفهوم که آکسیون‌های آگاهانه مبارزاتی از سوی پرولتاریای بین‌المللی علیه امپریالیسم و متدهایش یعنی جنگ‌ها انجام می‌پذیرد. ما هم اکنون در مقابل یک واقعیت تاریخی به مفهوم "یا این یا آن" قرار گرفته‌ایم و همه چیز به تصمیم و آگاهی طبقاتی پرولتاریا بستگی خواهد داشت".

از زمانی که همواره جنگ‌های بیشتر و فقر بیشتری وجود دارد، دانشمندان به تئوری‌های رزالوگزامبورگ استناد می‌کنند و این تئوری‌ها را مجدداً بسط می‌دهند چنان‌که آنان به ایده‌های مارکس استناد نمودند. داوید هاروی پروفیسور جغرافیه و مارکسیست برای مثال سرمایه‌داری کنونی را به عنوان امپریالیسم نوین می‌خواند و به مشاهدات رزا لوگزامبورگ استناد نموده که می‌گوید: سرمایه‌داری باید خود را از طریق دسترسی به فضاهای رشد و بازارهای جدید همواره گسترش دهد.

این گسترش برای مثال از طریق خصوصی‌سازی قابل دسترسی است. در تمامی جهان دولت‌ها از سال‌های ۷۰ به بعد بخش‌های بزرگی از خدمات اجتماعی کشورهايشان را در اختیار بازارهای جدید سرمایه خصوصی قرار داده‌اند. دولت رفاه (برای مثال حق بازنشستگی و یا سلامتی و بهداشت) که بخش بزرگی از طریق مبارزات کارگران به دست آمده است، از سوی کنسرن‌ها فتح گردیده و این کنسرن‌ها به کمک دولت‌ها با هزینه طبقه کارگر در اختیار بازارهای جدید قرار می‌دهند.

به این امپریالیسم جدید در کنار خصوصی‌سازی و اشکال دیگر سلب زندگی از انسانها، برای مثال اختراعات ژن دستکاری شده بذر زراعی و... اضافه می‌شود. هاروی همچنین از جنگ‌ها به عنوان وسیله‌ای برای کنترل ذخایر انرژی خاورمیانه و به عنوان مشخصه بارز این امپریالیسم جدید نام می‌برد.

میلیون‌ها عراقی، افغان، فلسطینی، سوریه‌ئی و... در نتیجه بربریت این جنگ‌ها در زجر و عذابند و از آنجا که جنگ‌های توسعه طلبانه سرمایه‌داری بحران و فقر را در سرتاسر جهان گسترش می‌بخشند، لذا امروز در تمامی جهان تنها این دو امکان وجود دارد یا سوسیالیسم و یا بربریت.

رزا لوگزامبورگ در تمام زندگی‌اش تلاش نمود به انسان‌ها شهادت دهد که در مقابل سرمایه‌داری کشنده و جنایتکار برخیزند و این سیستم را رد کنند. همچنین این ایده رزالوگزامبورگ را داوید هاروی ماه قبل در یک کنفرانس در لندن مجدداً تکرار نمود و گفت: "اگر این مبارزه جهانی به مانند یک مبارزه طبقاتی به نظر می‌رسد و از حس مبارزه طبقاتی برخوردار است پس در این صورت باید آن را مبارزه طبقاتی بخوانیم. ما باید به مبارزه طبقاتی دامن زنیم".

*Linksruck*